

۲۰۲ _ ای عاشقان حقیقت و خادمان عالم انسانی چون از گلشن افکار و نوایای شما بوی خوشی بمشام میرسد لهذا سائق وجدانی مرا بر نگارش این نامه مجبور مینماید ملاحظه مینمائید که جهان چگونه بیکدیگر در افتاده و اقالیمی چند بخون انسان رنگین گشته بلکه خاک بخون مخمر گردیده نائره حرب چنان شعله ئی زد که نه در قرون اولی و نه در قرون وسطی و نه در قرون اخیره چنین جنگ مهیبی واقع گشته سرها چون دانه شده و حرب چون آسیاب بلکه اشد از آن اقالیم آباد ویران شد و شهرها زیر و زبر گشت و قرای معموره مطموره شد پدران بی پسر گشتند پسران بی پدر شدند مادرها بر ماتم نورسیدگان خون گریستند اطفال یتیم شدند نساء بیسر و سامان شدند عالم انسانی در جمیع مراتب تدنی نمود فریاد و فغانست که از یتیمان بلند است ناله و حنین است که از مادران باوج اعلی میرسد جمیع این وقایع منشأش تعصب جنسی است و تعصب وطنی و تعصب دینی و تعصب سیاسی است و منشأ این تعصبات تقالید قدیمه است تقالید دینی است و تقالید جنسی است و تقالید وطنی است و تقالید سیاسی است تا این تقالید باقی بنیاد انسانی بر باد است و عالم بشری در خطر عظیم حال در چنین عصر نورانی که حقایق جلوه نموده و اسرار کائنات مکشوف گردیده صبح حقیقت دمیده جهان روشن شده آیا جائز است که چنین حرب مهیبی واقع گردد که عالم انسان را بخسران مبین اندازد لا والله حضرت مسیح بشر را بصلح و سلام خواند و بحضرت پطرس فرمود شمشیر را در غلاف کن این بود وصیت و نصیحت حضرت مسیح و لکن جمیع مسیحیان حال سل سیوف نموده اند چه مناسبتی حال میان این اعمال با آن نص صریح انجیل باری حضرت بهاءالله شصت سال پیش مانند آفتاب از افق ایران طلوع نمود و اعلان فرمود که افق عالم تاریک است و این تاریکی نتایج وخیمه بخشد و حروبات شدیده وقوع یابد در زندان عکا بامپراطور آلمان صریحا خطاب میفرمایند که حرب شدید واقع خواهد شد و برلین ناله و حنین خواهد نمود و همچنین بیادشاه ترک در حالتیکه مظلوم بود و اسیر زندان او یعنی مسجون در قلعه عکا بود صراحة مرقوم فرمود که اسلامبول بانقلابی عظیم گرفتار خواهد گشت بدرجه ئی که اطفال و نساء بفریاد و فغان خواهند افتاد خلاصه بجمیع پادشاهان و رؤسای جمهور مرقوم فرمود

و عینا واقع گشت و تعالیمی بجهت منع حرب از قلم اعلی صادر شد و در جمیع آفاق منتشر گشت اول تحری حقیقت زیرا تقالید انسانرا بلید مینماید و چون تحری حقیقت گردد عالم انسانی از ظلمات تقالید رهائی یابد و تعلیم ثانی وحدت عالم انسانی جمیع خلق اغنام الهی و خدا شبان مهربان بجمیع اغنام رأفت کبری دارد بهیچوجه امتیازی نگذاشته است لا تری فی خلق الرحمن من تفاوت کل عباد له و کل من فضله یسئلون تعلیم ثالث اینکه دین حصن حصین است ولی باید سبب الفت باشد نه سبب عداوت و بغضا و اگر سبب عداوت و بغضا باشد لزومیتی ندارد چه که دین بمنزله علاج است اگر علاج سبب مرض شود ترک علاج احسن است و همچنین تعصب دینی تعصب جنسی تعصب وطنی تعصب سیاسی جمیع این تعصبا هادم بنیان انسانیت و جمیع این تعصبا سبب خونریزی است و ویرانی عالم انسانی لهذا تا این تعصبا باقی حرب مهیب مستمر علاج این صلح عمومیت و صلح عمومی باید محکمه کبری از قبل جمیع دول و ملل تشکیل شود و مسائل ملی و دولی بآن محکمه راجع آنچه آن محکمه کبری حکم نماید مجری و اگر دولتی یا ملتی تخلف نماید عالم انسانی بر آن دولت و ملت قیام نماید و از جمله مساوات میان زن و مرد در جمیع حقوق و امثال ذلک بسیار حال واضح و مشهود شد که این تعالیم حیات عالم انسانیت و روح حقیقی حال شما چون خدام عالم انسانی هستید باید بجان و دل بکوشید تا عالم انسانی از این تاریکی عالم بشری و تعصبات طبیعی نجات یابد و بروشنائی عالم الهی فائز شود الحمد لله بجمیع قوانین و شرایع و مبادی مطلع هستید الیوم جز باین تعالیم عالم انسانی راحت و آسایش نیابد و این ظلمات منکشف نگردد و این امراض مزمنه شفا نیابد بلکه روز بروز سختتر شود و بدتر گردد بالکان آرام نگیرد از اول بدتر شود دول مقهوره آرام نگیرند بهر وسیله تشبث نمایند که آتش جنگ دو باره شعله زند حرکتهای تازه عمومی تمام قوت را در تنفیذ مقاصد خویش مجری خواهد نمود حرکت شمالیه خیلی اهمیت خواهد یافت و سرایت خواهد کرد پس شما با قلبی نورانی و روحی رحمانی و قوتی ملکوتی و تأییدی آسمانی بکوشید که عالم انسانی را موهبتی ربانی گردید و سبب راحت و آسایش از برای بشر گردید *

